



Legal and Commercial Risks of Dissemination and Exploitation of Foreign Literary and Artistic Works without Obtaining an Exploitation License by Domestic Content Services Platforms on the World Wide Web

Fatemeh Rafati

Master of Intellectual Property Law, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
rafati.fatemeh@ut.ac.ir

Abstract

The flow of free trade and the growth of technology has facilitated public access to information and doubled the importance of protecting the rights of authors of literary works of art; in a way, sometimes the two are in conflict with each other and prioritizing each can lead to a violation of the other. On the other hand, the protection of works of art and literature, regardless of geographical boundaries, depends on their recognition by various systems, in this regard, international conventions and treaties have been established to expand the scope of protection of authors' rights. With this process, the question arises that if the rights of foreign authors are not recognized in the territory of the country, according to the rules of domestic law, can the above-mentioned works be used commercially on the Internet without payment? Also, if the operator of these companies is a multinational company whose works are protected in the country of their shareholders, what risks threaten the operator and shareholders? To answer these questions, the dimensions of copyright in cyberspace as well as the rules for the support of the owners of the works were considered to explore its challenges. For this purpose, initially, the concepts and the interpretations in relation to this hypothesis are discussed, and then legal and commercial risks are examined. In this research, the data are collected by the library method and are discussed in two chapters.

Keywords: copyright in cyberspace, content without a license, material rights of creators of literary works of art, exploitation agreement, content service platforms

Received: 26/March/2022

Accepted: 05/July/2022

ISSN: 2783-3631

ریسک‌های حقوقی و تجاری پخش و بهره‌برداری از آثار ادبی هنری خارجی بدون اخذ مجوز بهره‌برداری توسط سکوه‌های ارائه خدمات محتوایی^۱ داخلی بر بستر شبکه جهانی اینترنت

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم
سیاسی، دانشگاه تهران، تهران
rafati.fatemeh@ut.ac.ir

فاطمه رفعتی

چکیده

جریان تجارت آزاد و رشد تکنولوژی دسترسی، عموم به اطلاعات را تسهیل نموده و اهمیت حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی هنری را دو چندان ساخته است؛ به نحوی که بعضاً این دو در تعارض با یکدیگر گرفته و اولویت قرار دادن هر یک می‌تواند منجر به نقض دیگری گردد. از سوی دیگر، شمول حمایت از آثار هنری و ادبی بدون توجه به مرز بندی‌های جغرافیایی، در گرو به رسمیت شناختن آن‌ها توسط نظام‌های مختلف است که در این راستا، کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی برای گسترش قلمرو حمایت کشورها از حقوق مولف برقرار شده‌اند. با این روند این سوال به ذهن متبادر می‌گردد که: «اگر حقوق مولفان خارجی در قلمرو کشوری، بنا به ضوابط قانون داخلی به رسمیت شناخته نشود، آیا از آثار فوق‌الذکر بر بستر اینترنت و بدون پرداخت هزینه می‌توان به صورت تجاری منتفع شد؟ همچنین اگر بهره‌بردار مزبور، توسط شرکت‌ها تجاری چندملیتی بوده که آن آثار در کشور سهامداران آنان مورد حمایت قرار بگیرد، چه ریسک‌هایی بهره‌بردار و سهامداران را تهدید می‌نماید. برای پاسخ به این سوالات باید ابعاد حق مولف در فضای مجازی و همچنین ضوابط حمایت از مالکان آثار برای واکاوی چالش‌های آن را توجه داشت. در این راستا، بدو به تعریف مفاهیم و تفاسیر از روابط طرفین این فرضیه پرداخته و سپس ریسک‌های حقوقی و تجاری بررسی می‌شود. در این تحقیق، داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و در دو فصل موضوع بحث قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: حقوق مولف در فضای مجازی، محتواهای فاقد مجوز بهره‌برداری، حقوق مادی پدیدآورندگان آثار هنری و ادبی، قرارداد مجوز بهره‌برداری، سکوه‌های ارائه خدمات محتوایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

زمان اختراع دستگاه چاپ و پیدایش صنعت چاپ در دنیا، نقطه‌ی آغاز توجه و به تبع آن، شناسایی حقوق مادی و معنوی برای پدید آورندگان آثار ادبی و هنری، به شکل امروزی در عالم حقوق محسوب می‌گردد؛ چرا که به کمک فن چاپ، نسخه‌برداری و تکثیر آثار، مفهوم گسترده‌تری یافت و بدین ترتیب، با در دسترس قرار گرفتن نسخه‌های یکسان ولی متعدد یک اثر ادبی و هنری، حقوق مولفانی که با تلاش زیاد به خلق یک اثر هنری یا ادبی اهتمام ورزیده بودند، تحت الشعاع قرار می‌گرفت، فلذا جهت اجتناب از دلسردی پدید آورندگان، لزوم تعریف حقوق مادی و معنوی موضوع توجه اندیشمندان علم حقوق قرار گرفت و در نهایت به شناسایی حقوق پدید آورندگان این آثار در قالب نظام حقوق مولف انجامید.

از جمله مصادیق حقوق مادی شناسایی شده برای پدید آورنده یک اثر هنری ادبی، می‌توان به حق «استفاده و پخش اثر» اشاره کرد که هر یک از دو شق این حق، امروزه می‌تواند به صورت جداگانه، موضوع یک قرارداد انتقال جزئی حقوق^۱ یا در قرارداد انتقال یک جای کلیه حقوق مالکیت فکری^۲ قرار بگیرند. در این قسم از قراردادها که عمدتاً بین دارندگان حقوق مجاور و حقوق مولفان مثلاً در پروژه‌های بزرگ فیلم‌سازی بین بازیگران و تهیه‌کننده اتفاق می‌افتد، حقوق مادی هنرمند یا مولف در ازای پرداخت مابه‌ازای معلومی به ثالث انتقال می‌یابد.

علاوه بر نظامات ذکر شده در بند فوق، در عصر حاضر با توجه به امکانات وسیعی که پیدایش شبکه جهانی اینترنت پیش روی کاربران نهاده و استفاده از آثار هنری و ادبی را به طرق مختلف امکان‌پذیر نموده، شقوق پیچیده‌تری بهره‌برداری از آثار متصور می‌باشد. یکی از اشکال بهره‌برداری از آثار ادبی هنری در قالب درج این محتواها بر بستر اینترنت با بارگذاری آنان بر بستر پلتفرم‌های ارائه‌دهنده خدمات محتوایی و دریافت مابه‌ازا از کاربران در قبال استفاده است. پلتفرم‌ها یا سکوهاى ارائه خدمات محتوایی که از این پس در این نوشتار از آنها تحت عنوان واسطه‌ها یاد می‌شود، آثار هنری یا ادبی متعلق به اشخاص ثالث را در قالب محتواهای وب سایت‌های دیجیتالی، در دسترس و معرض استفاده کاربران قرار می‌دهند که این شیوه از بهره‌برداری نیز نیازمند اخذ مجوز از دارنده حقوق مولف آثار می‌باشد.

محتوایی که امروزه در فضای مجازی مخابره می‌شوند، یا در قالب اثر ادبی (اعم از نوشته، مقاله، شعر یا داستان) و یا اثر هنری (اعم از فیلم، عکس، موسیقی و...) بوده که بدین دلیل، ذیل نظام ادبی هنری حقوق مالکیت فکری که از آن به نظام حق مولف یا کپی‌رایت نیز تعبیر می‌شود، قابل حمایت هستند. از آنجایی که این آثار ادبی و هنری، بنا به ماهیت سرگرم‌کننده و قابلیت جذب مخاطب، ارزش تجاری و اقتصادی نیز دارند، فرض «ارائه دسترسی به محتوا برای مخاطبان و دریافت هزینه در قبال آن»، می‌تواند در جایی بحث برانگیز باشد که این آثار، داخل ایران و یا توسط هنرمندان ایرانی ایجاد نشده و بنا به این که اولین عرضه عمومی یا انتشار آنها در داخل ایران صورت پذیرفته، از حمایت نظام قانونی ایران به موجب مفاد قانون مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ برخوردار نباشند و از طرف دیگر، از آنجایی که انتشار این آثار بر بستر اینترنت و بر روی سرویس‌های مستقر داخل قلمرو جمهوری اسلامی ایران (بدون

1. Copy Right.
2. License.
3. Assignment.
4. Content provider.

امکان دسترسی از خارج از مرزهای کشور)، توسط شرکت‌های واسطه به دریافت مجوز از دارنده‌ی حقوق این آثار نیز احتیاج ندارد، این آثار خارجی تلقی می‌شوند.

از سوی دیگر، با توجه به این که از آثار با وصف مذکور، استفاده تجاری صورت می‌پذیرد و این استفاده، برای انتشار دهنده آن محتوا بر بستر اینترنت، بدون این که بابت پخش آن آثار هزینه‌ای پرداخت و مجوز اخذ کرده باشد، کسب درآمد به همراه دارد، علی‌القاعده باید بتوان این مسئله را به نحو جزئی‌تر مورد مذاقه قرار داده و در صورت بروز اختلاف یا طرح ادعا از جانب پدید آورنده‌ی اثر به حل و فصل آن مبادرت نمود. طرق بررسی و حل و فصل پیشنهادی این دسته پرونده‌ها یا بر اساس جریان قوانین مرتبط با حق مولف در داخل قلمرویی که در آن نقض حق اتفاق افتاده صورت می‌پذیرد که تشخیص این مقوله در دنیای مجازی به مراتب پیچیده و یا حتی غیرممکن بوده و یا بر اساس ضابطه‌ی ضرر وارد شده به زیان دیده‌ای که در اصل دارنده‌ی حق فکری است، بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی، قابل بررسی است.

در بررسی فرض مربوط به متضرر شدن مالک اثر، باید احتمال طرح دعوای چبران خسارات ناشی از نقض حقوق مادی دارنده حق در دادگاه‌های بین‌المللی و قابلیت وصول خسارات مندرج در حکم دادگاه خارجی در محاکم داخلی ایران را بررسی نمود.

در بررسی فرض دوم و در صورتی که مالک حقوق اثر، در محاکم ایران به عنوان محل وقوع جرم طرح دعوا نماید، با توجه به این که ایران هنوز به «کنوانسیون برن» نپیوسته و بنا بر مقررات داخلی ایران، دارنده‌ی اثر موضوع دعوا، مشمول حمایت قانونی نمی‌شود، از این جهت، امکان اقامه دعوا برای وی وجود ندارد، سوالی مطرح می‌گردد که آیا بر اساس مبانی مسئولیت مدنی همچون «داراشدن بلاجهت» می‌توان از آن انتشار دهنده، مطالبه‌ی خسارت کرد یا نه؟ همچنین بر اساس مبانی حقوقی در بحث منع رقابت غیر منصفانه می‌توان براساس استناد به این اصول ضرر وارد شده به پدید آورنده را اثبات و بدین نحو از عامل آن مطالبه غرامت نمود؟

نهایتاً با بررسی فرضی که در آن، انتشاردهنده اثر شخص حقوقی در قالب یکی از شرکت‌های تجاری تعریف شده در قوانین ایران با سهامدارانی خارجی باشد، مسئله این است که تا چه حد آن رای صادره از دادگاه‌های خارجی یا داخلی در هر یک از فروض بالا، برای آن سهامداران مسئولیتی، فراتر از حیطه‌ی ارزش سهام آنان، به همراه خواهد داشت؟

موارد ذکر شده به ترتیب در دو فصل بررسی خواهد شد. در فصل اول، ابتدا بنا به تعریف مفاهیم مرتبط با موضوع بنا به پراکندگی و کاربرد آنان در زمینه‌های فنی و حقوقی اهتمام ورزیده و در گام بعد، به بررسی ریسک‌های حقوقی و تجاری یاد شده پرداخته خواهد شد.

تعاریف و جایگاه مفاهیم

۱-۱- تعاریف

با توجه به پراکندگی تعبیر از مفاهیم مورد استفاده در خصوص مفهوم اثر هنری ادبی و تفاوت آن با عبارت مصطلح «محتوا» در عرصه‌ی تولید محتوای دیجیتال بر بستر اینترنت و همچنین مبهم بودن دامنه‌ی شمول و تعریف سکوها

ارائه خدمات محتوایی، در این بخش ابتدائاً جهت تقریب ذهن مخاطب این مقاله‌ی حقوقی به رویکرد جاری در فضای فناوری اطلاعات، این اصطلاحات از دو نقطه نظر متفاوت تعریف و تحلیل می‌گردد.

۱-۱-۱-۱- تعریف اثر و تفاوت آن با محتوا

در تعریف و بررسی تمایز «اثر» با «محتوا» با توجه به این که این مفاهیم از دید عرفی و حقوقی جایگاه متفاوتی داشته و بدین ترتیب، قلمرو متنوعی را در بر می‌گیرد، در دو بخش تعریف محتوا از دید عرف بازار (فنی، دیجیتال و بازاریابی) و تعریف محتوا از دید حقوقی و اشاره به آثار تقسیم کرده و با استناد به قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱-۱-۱- تعریف عرفی محتوا و تمایز آن با محتوای دیجیتال

از نقطه نظر عرفی، محتوا به شکلی از اطلاعات گفته می‌شود که ساختار مشخصی دارد؛ برای انسان به عنوان مخاطب قابل درک و استفاده است؛ و فرایند ویرایش (حداقل پیش از عرضه و ترجیحاً حتی پس از عرضه) در مورد آن معنا داشته و بر روی آن قابل اعمال باشد، محتوای دیجیتال همه‌ی ویژگی‌های بر شمرده را علاوه بر یک ویژگی دیگر دارا بوده که آن قابلیت انتقال و ذخیره‌سازی و مصرف این دسته از محتواها بر بستر و زیرساختی دیجیتالی است. چنین تعریفی می‌تواند مصادیقی مانند کتاب‌ها، مقالات، فایل‌های صوتی و پادکست‌ها، ویدئوها و انیمیشن‌ها، بسته‌ها و محصولات آموزشی، پست‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی و ایمیل‌های دیجیتال را پوشش دهد (سایت متمم).

۱-۱-۱-۱-۲- تعریف محتوا از دید حقوقی

در بند الف ماده‌ی ۱ «آیین‌نامه ساماندهی و توسعه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال مصوب ۱۳۸۹/۰۵/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی»، محتوا را به موارد دیداری، شنیداری، نوشتاری و یا ترکیبی از آن‌ها در هر شکل و قالب و در خصوص تعریف اثر، ماده‌ی ۱ «قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸» این چنین بیان دارد «آن چه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته» تعریف کرده‌اند.

به نظر می‌رسد ضابطه‌ی تشخیص محتوا از اثر ادبی هنری، آن خلاقیتی است که در قالب مولفه اصالت در آثار تحقق یافته و بنا به تعبیر نظام حقوق مولف، به دلیل وابستگی معنوی اثر به شخصیت پدید آورنده، آن را از سایر آثار موجود متمایز می‌کند. در حالی که در خصوص محتوا، این خصیصه به طور خاص مورد اشاره قرار نگرفته و به نظر می‌رسد که هر شکل ابرازی مفاهیم را در بر می‌گیرد. حال در خصوص محتواهایی که ماهیت آن‌ها با توجه به تعاریف قانونی، با تعریف ارائه شده از اثر ادبی هنری، همخوانی دارد، تعریف قانون مصوب قوه‌ی مقننه بر سایر تعاریف تقدم دارد، پس در خصوص مواردی که، جزو تعریف قانونی از محتواها در قالب آثار ادبی و هنری نیستند، آن‌ها را صرفاً محتوای داخلی محسوب کرده ولی به دلیل این که از اصالت برخوردار نیستند، برای پدیدآورندگان آن‌ها نمی‌توان حق حمایتی و انحصاری قائل شد.

۲-۱-۱- تعریف سکوهای ارائه خدمات محتوایی

در سند «سیاست‌ها و الزامات کلان حمایت از رقابت و مقابله با انحصار سکوهای فضای مجازی»، «ارائه دهندگان خدمات سکو»^۱ به عنوان کسب و کارهایی تعریف شده‌اند که با استفاده از زیرساخت فضای مجازی و اینترنت، در بازارهای دو یا چند سویه برای انجام تعاملات میان دو یا چند گروه متمایز اما مرتبط از کاربران، در جهت ایجاد ارزش برای حداقل یکی از گروه‌ها فعالیت نموده و خدماتی چون فضاهای خرید و فروش کالا و خدمات، بازار گاه‌های هم‌تابه هم‌تا، پیام‌رسان‌های اجتماعی، موتورهای جستجو، سامانه‌های پرداخت، فضای به اشتراک گذاری ویدیو، و ... را ارائه می‌نمایند.

در سایر اسناد موجود در خصوص ضوابط مربوط به تولید محتوا در فضای مجازی به مفهوم «سکوهای ارائه خدمات محتوایی» از جمله ماده‌ی ۲-۴ سند الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خلاف واقع در فضای مجازی و ماده ۴-۶- سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی به صورت ضمنی به این مفهوم اشاره شده و تعریف دقیقی از این مفهوم در اسناد مدون داخلی نیامده است.

مطابق تعریف فنی از سکو یا پلتفرم ارائه خدمات محتوایی: این پلتفرم نوعی نرم افزار و در اصل سرویس مبتنی بر حافظه‌ی ابری است که کاربران را قادر می‌سازد تا محتوای متنی، صوتی و ویدیویی را منفردا یا به صورت اشتراکی با هم ایجاد کرده، با یکدیگر به اشتراک گذاشته و نتیجه‌ی آن بر روی همین بستر را ذخیره کنند (Chai, 2021).
 وفق این تعریف: کلیه‌ی سرویس‌های ارائه خدمات مبتنی بر صوت^۲، خدمات مبتنی بر ویدئو^۳، تلویزیون‌های تعاملی^۴ همگی ذیل این مفهوم قرار می‌گیرند.

علاوه بر تعاریف ارائه شده، در بند ۴-۱ مصوبه شماره ۲۵۱ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، در خصوص «ارائه دهنده خدمات محتوایی» به اشخاصی اشاره کرده که نسبت به ارائه هرگونه محتوا، خدمات محتوایی و ارزش افزوده به کاربر، بر بستر شبکه ملی اطلاعات در چارچوب قوانین و مقررات جاری کشور مبادرت می‌کند. پس بر اساس این مقرر، معیار و ملاک سنجش و تشخیص محتوای داخلی «ارائه این محتواها بر بستر شبکه داخلی کشور» دانسته شده است. تبصره‌ی ماده ۳ همین مصوبه نیز که در خصوص «محتوای خارجی توزیع شده از بستر دروازه‌های بین‌المللی» است. به بیانی دیگر، داخلی محسوب شدن محتواها را به جریان داشتن آن‌ها در شبکه‌های زیرساخت داخلی مشروط می‌نماید. بر این اساس، ضابطه تعریف این گروه از سکوهای ارائه خدمات محتوایی که موضوع این پژوهش می‌باشند، معطوف به آن گروه از سکوهایی است که میزبانی آن در داخل کشور صورت گرفته و فعالیت آن مطابق مقررات جمهوری اسلامی ایران انجام می‌پذیرد.

1. Platform.
2. Audio on demand (AOD).
3. Video on demand (VOD).
4. Internet Protocol Television (IPTV).

۲-۱- جایگاه مفاهیم

در این بخش به تعریف حقوق مادی مولف و مصادیق آن پرداخته می‌شود تا مفهوم اعمال ناقضانه آن بر بستر اینترنت بهتر تبیین گردد.

۱-۲-۱- تقسیم‌بندی حقوق مولف در فضای مجازی

صاحبان حق مؤلف دارای دو دسته حقوق مادی و معنوی با ویژگی‌های خاص خود هستند. در خصوص حقوق مادی که ویژگی‌های خاصی از جمله موقت بودن، قابلیت تقویم به پول و همچنین قابلیت نقل و انتقال را دارا هستند، مصادیق مختلفی از جمله حق بازتولید آثار دارای حق مؤلف، حق تولید آثار اشتقاقی، حق توزیع نسخ اثر به عموم، حق اجرای عمومی آثار و به نمایش گذاشتن اثر بر شمرده شده است. با این حال، به نظر می‌رسد ذخیره دائم یا موقت اثر موضوع حق طی اقداماتی مثل تکثیر اثر از حافظه یک رایانه به یک دستگاه دیگر یا انتقال کلی به یک بستر الکترونیک دیگر و همچنین نمایش و در اختیار قرار دادن آن اثر از طریق بسترهای الکترونیک، نیازمند کسب اجازه از صاحبان حق مؤلف آن اثر می‌باشد (رادفر، ۱۳۹۸: ۹۴).

همچنین به دلیل سهولت بیشتر انتقال یا تغییر آثار مشمول حق مؤلف در فضای الکترونیک، مشکلات دارندگان این حقوق در راستای جلوگیری از نقض و جمع‌آوری نسخ ناقضانه در این فضا به مراتب بیشتر از محیط فیزیکی می‌باشد. همچنین از آنجایی که بستر اینترنت، کار با هویت جعلی یا نامعلوم را برای کاربران ممکن می‌سازد، شناخت ناقض این حقوق به سختی انجام شده و همین امر، اهمیت مسئولیت واسطه‌ها در ارائه خدمات اینترنتی را مشخص می‌سازد (صادقی، ۱۳۹۳: ۳۹).

بر اساس مفاد مواد قوانین داخلی از جمله مقانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و همچنین قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای: یعنی انتشار، اجرا یا تولید و توزیع اثر برای اولین بار در ایران، خصوص انتشار آثار در فضای الکترونیک نیز به دست می‌آید که البته از آنجایی که در این محیط مرزبندی و قلمرو سرزمینی خاصی وجود ندارد، به نظر می‌رسد با توجه به قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی بیگانگان در صورت وجود عهدنامه یا معامله متقابل، از حقوق مادی برخوردار بوده و در مورد حقوق معنوی پدیدآورنده این شرط مستند به ماده ۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان قابل اجرا نمی‌باشد و این حقوق بدون توجه به محدودیت‌های مکانی و زمانی در همه جا باید رعایت شوند (صادقی، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۵).

۲-۲-۱- مفهوم و گستره پخش و بهره‌برداری بر بستر اینترنت

در خصوص دامنه‌ی حمایت از حقوق مادی مولف در قوانین کنونی ایران، ذکر این توضیحات قبل از پرداخت به بحث مفهوم و گستره‌ی پخش و بهره‌برداری از اثر بر بستر اینترنت ضروری است.

بر اساس ماده‌ی ۲۲ قانون مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸، حقوق مادی پدیدآورنده زمانی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا نشر یا اجرا شده باشد. بر این اساس برای شمول حمایت قانونی از آثار ادبی هنری در ایران، در گام اول به «مکان انتشار اولیه آن» توجه می‌گردد؛ فلذا در صورتی که آثار ادبی و هنری، در ایران انتشار یافته باشد، تا پنجاه سال بعد از مرگ پدیدآورنده دارای حقوق مادی انحصاری بوده و اگر این اثر در دسته آثار سینمایی و عکاسی باشد، این بازه به مدت سی سال از زمان انتشار خواهد بود. این که چرا بازه زمانی حمایت از آثار گروه اخیر کمتر از سایر آثار تعریف شده، در این است که بنا به ماهیت تجاری و هنری این دسته از آثار و با توجه به این واقعیت که در بازار هنر، آثار سینمایی و عکاسی زودتر از سایر آثار هنری از دایره بازار رقابت کنار می‌روند، حمایت از حقوق مادی پدیدآورندگان آنان کمتر از ۵۰ سال به عمل می‌آید.

در توضیح مفاهیم مرتبط با اعمال «پخش و بهره‌برداری» از آثار موضوع حقوق مولف، باید توجه داشت که هر کدام از این اقدامات شکلی از حقوق مادی پدیدآورنده اثر بوده و تعاریف آن‌ها به طور صریح یا ضمنی در قوانین و اسناد حقوقی مرتبط با حقوق مالکیت ادبی هنری ایران، آورده شده است. در این راستا مفاد مربوطه از ماده‌ی ۱ لایحه‌ی حمایت از مالکیت فکری در خصوص تعریف اصطلاحات مربوطه، بندهای ذیل همگی اقداماتی هستند که در دایره‌ی «پخش و بهره‌برداری» از آثار قرار می‌گیرند:

۲۵- توزیع: در اختیار عموم قرار دادن نسخه یا نسخه‌های اثر ادبی- هنری با حامل شنیداری یا شنیداری - دیداری از طریق فروش، اجاره، عاریه یا سایر روش‌های انتقال مالکیت؛

۳۶- تکثیر: تهیه یک یا چند نسخه از کل یا بخشی از اثر یا حامل شنیداری یا شنیداری - دیداری از راه‌هایی همچون ذخیره‌سازی الکترونیکی اعم از دائمی و ناپایدار، چاپ، عکسبرداری، فتوکپی و فیلمبرداری؛

۲۷- انتشار: تکثیر و توزیع اثر به منظور برآوردن تقاضای عمومی؛

۲۹- ارسال عمومی: ارسال باسیم یا بی‌سیم صدا، تصویر و یا صدا و تصویر به عموم اعم از اینکه اشخاص بتوانند صدا، تصویر یا صدا و تصویر ارسالی را در یک زمان و مکان واحد یا در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت دریافت کنند؛
۳۱- نمایش عمومی: هر اقدامی که موجب شود اثر بی‌آن که متضمن تکثیر باشد در معرض دید عموم قرار گیرد.

۳۳- پخش رادیو - تلویزیونی: ارسال صدا، تصویر یا ترکیبی از آن‌ها توسط سازمان پخش رادیو - تلویزیونی از جمله از طریق دستگاه ارتباطی بی‌سیم یا باسیم یا ماهواره به منظور دریافت عموم»

با توجه به متن اسناد قانونی، تمامی این اقدامات از جمله مصادیق حقوق مادی دارنده آثار ادبی و هنری ذکر شده و برای هر گونه عمل ناقضانه‌ی این حقوق نیز با مجازات تعیین شده است.

در خصوص نقض حقوق مادی مولف، در ماده‌ی ۷۴ قانون تجارت الکترونیک مجازاتی بیان شده «هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی با تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) مواردی که در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۰۹/۰۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۰۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۰۴، منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود، در صورتی که حق تصریح شده مؤلفان را نقض نماید به مجازات سه ماه تا

یک سال حبس و جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

در نگاه اول، واژه «هرکس» که در این ماده آمده است را صرفاً برای انسان‌ها و به اصطلاح حقوقی برای «اشخاص حقیقی» تفسیر شده و این مجازات صرفاً برای مرتکبانی قابل اعمال است که شخص حقیقی/انسان هستند ولی با توجه به اصل چهل قانون اساسی^۱، می‌توان این واژه را برای اشخاص حقوقی هم استفاده کرد و بدین ترتیب با توجه به مواد ۷۴۷ الی ۷۵۳ برای این دسته از مرتکبان جرائم علیه حقوق دارندگان آثار ادبی هنری در بستر الکترونیک هم می‌توان مجازات یاد شده را بنا به مفاد قوانین جاری در ایران تعیین نمود (توسلی، ۱۳۹۰).

۲- بررسی ریسک‌های موجود

با در نظر گرفتن نقش واسطه‌های ارائه خدمات اینترنتی در پخش و بهره‌برداری گسترده از آثار ادبی و هنری، در اینجا نیاز است تا تبعات نقض حق مولف در فضای مجازی در دو بعد حقوقی و تجاری تبیین گردد تا مسئولیت واسطه‌های اینترنتی که به دنبال کسب درآمد از این محل هستند، مشخص شود.

۲-۱- ریسک‌های حقوقی

با در نظر گرفتن اصول و موازین اولیه‌ی علم حقوق در خصوص جایگاه و الزام‌آوری معاهدات بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق مالکیت ادبی هنری در نظام حقوقی در کنار قوانین داخلی، اتکاپذیری قواعد مسئولیت مدنی برای جبران ضرر و زیان وارد شده به دارنده حق مولف در فضای مجازی و همچنین لزوم در نظر داشتن منع رقابت غیرمنصفانه در خصوص استفاده از آثار دارای حق مولف بر بستر اینترنت؛ ریسک‌های حقوقی ریسک‌های حقوقی ذیل برای واسطه‌های ارائه خدمات محتوایی بر بستر اینترنت متصور می‌باشند.

۱-۱-۲- لزوم توجه به مفاد معاهدات مورد قبول

با توجه به ضوابطی که پیش از این نیز گفته شد، قواعد حمایت از محتواهایی که در قالب آثار ادبی هنری، بر بستر اینترنت درج شده‌اند، به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شود:

- در ضابطه‌ی توجه به ملیت پدیدآورنده؛ آثار به دو گروه ایرانی و خارجی تقسیم می‌شوند و اگر این آثار در قالب برنامه‌های تحت مدیریت سازمان پخش رادیو تلویزیونی، تولید شده باشند (که در اینجا همان سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مدنظر است) خود آثار موضوع مخابره، جزو آثار تولید شده توسط پدیدآورندگان ایرانی است و مورد حمایت قانون‌گذار ایرانی قرار می‌گیرد (پورمحمدی ماهونکی، ۱۳۸۵). در اینجا ذکر این نکته ضروری است که آثار اشتقاقی از جمله فیلم‌های اقتباس گرفته شده از اثر هنری دیگر هنرمندان، آثار ترجمه و دوبله شده و ... بنا به ماهیت خلاقانه‌ی آن‌ها که دارند؛ خود موضوع حق مولف و مورد حمایت قانونی هستند ولی در وهله اول، برای خلق این آثار باید از مالکان حقوق آثار اولیه به صورت قانونی اجازه کسب شده باشد و حتی اگر در آثار مورد حمایت در ایران، از حقوق مادی سایرین نیز استفاده نشده باشد، کماکان حقوق معنوی مالکان این آثار باید رعایت گردد.

۱. اصل چهل: هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

- در مواردی که محتوای ایرانی، اثری قابل حمایت بنا به ضابطه‌ی مندرج در قانون حمایت از مولفان و مصنفان ۱۳۴۸ باشد، با توجه به این که در نظام هنری و ادبی اصل عدم تشریفات حاکم است، بدون نیاز به ثبت این آثار در مرجع خاصی، این آثار مورد حمایت بوده و پدیدآورندگان این دسته از آثار هم از حقوق مادی و معنوی مقرر در قانون برخوردارند و برای استفاده از آنها بر بستر اینترنت نیز باید در قالب قراردادهایی جهت پرداخت مابه‌ازایی معقول با پدیدآورندگان یا دارندگان حقوق مادی مرتبط با آنها توافق شود. مثال رایج این مورد، فیلم‌های نمایشی است که در شبکه نمایش خانگی در دسترس مردم قرارداد شده و هم کاربر محتوا و هم واسطه‌های پخش آن، در ازای پخش و بهره‌برداری از آن به تهیه‌کننده به عنوان دارنده‌ی حق مولف اثر، مابه‌ازا می‌پردازند. ولی در خصوص بحث حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی هنری خارجی؛ مهم‌ترین کنوانسیون در سطح جهانی کنوانسیون جهانی حمایت از حق مولف (برن) است که در مواد مختلف به بررسی صور مختلف حمایتی پرداخته است.

کنوانسیون برن به معیارهای حمایتی گسترده‌ای از جمله «حمایت بر اساس تابعیت پدیدآورنده، محل سکونت پدیدآورنده و محل انتشار اثر» در ماده‌ی ۳ توجه نموده و این به آن معناست که انتشار یک اثر ادبی و هنری در هر یک از کشورهای عضو این کنوانسیون، موجب شمول حمایتی اثر به قلمرو سایر کشورهای عضو شده و کشورهای عضو این کنوانسیون هم باید حقوق مولف آن را به رسمیت بشناسند چرا که بنا به اصل «رفتار ملی» در حقوق مالکیت فکری، کشورهای عضو یک معاهده باید با اتباع سایر اعضا، رفتاری برابر با رفتار با اعضا خود داشته باشند.

زمانی که آثار مشمول حق مولف بر برای پخش بر بستر دیجیتال انتخاب می‌شوند، نهادی در قالب سازمان پخش اینترنتی^۱ باید اجازه پخش این آثار را در محیط مجازی از دارندگان حق مولف اثر، کسب نماید. به‌عنوان مثال، باید مجوز اقتباس، نسخه‌برداری، اجرا و مخابره اینترنتی اثر به‌عموم از صاحبان حقوق اثر ادبی و هنری، متولیان ضبط صدا، آثار موسیقایی و اجراکنندگان این گروه از آثار اخذ گردد.

با این اوصاف در صورتی حقوق مولف در فضای مجازی نقض گردد، مطابق مفاد کنوانسیون برن، دعاوی مربوط نقض رخ داده شده به صورت محلی^۲ پیگیری شده و دادگاه کشور حمایت‌کننده از اثر در بررسی دعوی اقامه شده ابتدائاً تعیین می‌کند که نقض در کدام محل رخ داده است و بر آن اساس قانون حاکم بر دعوا نیز تعیین می‌گردد:

- پس اگر نقض حق مولف در کشور اعطاکننده حمایت به اثر موضوع تخلف اتفاق بیفتد، که طبیعتاً مطابق قوانین همان محل به نقض رخ داده شده رسیدگی خواهد شد. در خصوص موقعیت دادگاه رسیدگی‌کننده می‌توان گفت که در صورت طرح دعوا در ایران، در حقوق ایران، قواعد عمومی صلاحیت دادگاه در رسیدگی به دعاوی حقوقی در این مورد لازم‌الرعايه است. بر این اساس، تشخیص محکمه رسیدگی‌کننده و وظایف آن، قابل توجه است. قاعدتاً «دادگاه محل اقامت خوانده»، برای رسیدگی به دعوی نقض، صلاحیت دارد. با این توضیح که دعوی نقض از جمله دعاوی مسؤولیت مدنی و غیر قراردادی است و بر این اساس، به لحاظ فقدان رابطه قراردادی، قاعده اصلی محل اقامت خوانده، اعمال می‌گردد (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

- اما در صورتی که نقض حق مولف در عرصه‌ی بین‌المللی صورت بگیرد؛ بر اساس قواعد بین‌الملل باید تعیین نمود که قانون حاکم بر این دعوا کدام قانون می‌باشد؟ در اینجا با توجه به اصول اولیه، باید بررسی کرد که چه

1. Internet Broadcasting Organization.
2. Local.

قانونی می‌تواند در حل این اختلاف ملاک قرار بگیرد چرا که هم قانون محلی که محتوا از آن بر بستر اینترنت بارگذاری (آپلود) شده و هم قانون محلی که از آن محتوای ناقص حق مولف دانلود شده است به عنوان قوانین صلاحیت دار عنوان می‌گردد.

بنا به قواعد حل تعارض حقوق بین‌الملل، این دعوا به دادگاه کشوری که محل نقض حق مولف در محیط اینترنت تشخیص داده شده است، قابل ارجاع می‌باشد. در تعیین محل نقض حق مولف در فضای مجازی باید هم به محلی که از آن به محتوای ناقص حق شده دسترسی وجود داشته و هم با توجه به ملاک‌های فنی، باید به محل ثبت مشخصات فنی (آی پی های) ^۱ بستر درج اثر برای دسترسی و بارگذاری محتوا بر بستر اینترنت، توجه نمود. از طرف دیگر در بحث اقامه دعوی بین‌المللی می‌توان دادگاه هر کشور حمایت‌کننده از اثر را به عنوان مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به دعوی نقض حق مولف اثر رجوع به دادگاه‌های ملی دادگاه کشور متبوع خواهان می‌باشد.

همچنین، بنا به تجارب به دست آمده از دعاوی مطروحه در خصوص نقض حق آثار ادبی هنری در صنعت موسیقی، تا کنون مشخص شده که اقامه دعوی نقض حق مولف علیه تک تک ناقضان حق مولف، مستلزم صرف هزینه و وقت بسیار زیاد و چنانچه قبل تر نیز ذکر شد، تعیین حوزه قضایی مناسب جهت اقامه دعوا و شناسایی ناقص اصلی در دعاوی نقض در فضای مجازی، کاری بسیار دشوار و مناقشه برانگیز می‌باشد.

بر این مبنا، دارندگان حق مولف اعم از پدیدآورندگان آثار و یا دارندگان مجوز/انتقال گیرندگان مجوز نشر این آثار، در تلاشند تا مسئولیت را مستقیماً متوجه کاربرانی که بدون پرداخت ما به ازای مناسب به استفاده از این آثار می‌پردازند نکنند بلکه آن گروهی را که در قالب ارائه‌دهندگان این فایل‌ها بر بستر اینترنت هستند، با ضوابط گفته شده شناسایی کرده و طرف این دسته دعوی قرار دهند (رئیس، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

در زمینه‌ی حق مولف، دامنه‌ی حمایت از آثار سینمایی و موسیقایی در نظام حقوقی ایران پیشتر توضیح داده شد و بر اساس آن، نتیجه‌ی طرح دعوی مبتنی بر نقض حق مولف در محاکم داخلی ایرانی به شرح ذیل تحلیل می‌گردد: گفته شد که در ماده‌ی ۲۲ قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ ضابطه‌ی حمایتی از آثار موسیقایی و سینمایی منوط به اولین اجرا و یا نشر این آثار، در ایران می‌باشد و بنابر این قاعده، در صورتی که در دادگاه‌های داخلی ایران، بر مبنای نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری (مولف)؛ دعوی علیه یک سکوی ارائه خدمات محتوایی داخلی یا همان واسطه‌ها که مبادرت به پخش و بهره‌برداری تجاری از آثار خارجی بر بستر شبکه جهانی اینترنت نموده، اقامه گردد، با این استدلال که چون اولین انتشار این آثار در قلمرو ایران صورت نگرفته، این آثار از نظام حمایتی حق مولف در ایران بر خوردار نیستند، بر این اساس، پخش و استفاده از این دسته آثار مصداق نقض حق مولف محسوب نخواهد شد. از آنجایی که کشور ایران از جمله معدود کشورهایی است که به کنوانسیون برن پیوسته است، انتشار آثار موضوع دعوا در سایر کشورها، برای پدیدآورندگان آنان در قلمرو ایران حقوق انحصاری برای اقامه دعوا به همراه نخواهد داشت.

در بُعد بین‌المللی و در کنوانسیون‌های حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری یا حق مولف، ضوابط «محل نخستین انتشار اثر» و «تابعیت» مولف، مهم‌ترین معیارهای حمایت از صاحبان آثار ادبی و هنری، در محیط واقعی به شمار می‌آیند (صادقی، ۱۳۸۶: ۲۳).

البته ممکن است با توجه به این که کنوانسیون برن از قدیمی‌ترین معاهدات در عرصه‌ی بین‌الملل است، گفته شود که قواعد حقوقی مربوط با این کنوانسیون در اصل آمره و جهانی شده و رعایت آن با توجه به جوی که بر نظام حقوقی در جهان حاکم است، برای اقدامات ناقضانه‌ای که در ایران نسبت به حقوق فکری آثار خارجی اتفاق می‌افتد، ضروری به نظر می‌رسد. در توضیح این مسئله باید گفت که در خود حقوق بین‌الملل، دو دسته قاعده وجود دارد: اول از همه قواعدی که ماهیتی «عرفی» دارند که یعنی چه اعضا و چه غیر اعضای آن کنوانسیون و موافقتنامه، مکلف به رعایت آن‌ها هستند و یا این که آن قواعد، ماهیتاً قراردادی‌اند و صرفاً بین طرفینی که عضو آن موافقتنامه و کنوانسیون هستند، لازم‌التباعد.

در خصوص «قواعد مربوط به حقوق مولف یا کپی‌رایت» که مربوط به حیطه‌ی حقوق مالکیت فکری است، باید قائل شد که عرفی و آمره محسوب کردن این دسته از قواعد، در کشوری مثل ایران منفعت چندانی ندارد چرا که با توجه به مقیاس تعداد آثار قابل عرضه در ابعاد جهانی، عمدتاً مصرف‌کننده آثار سایر کشورها محسوب شده و تولید کننده و پدیدآورنده‌ی این آثار نیست. پس که با آمره محسوب کردن این قواعد مربوط به کنوانسیون برن در خصوص حق مولف، برای صنعت ایران درآمذزایی به همراه نداشته و نتیجتاً این قواعد را باید از نوع قراردادی تفسیر نمود. به علاوه این که یکی از اصول نظام حقوق مالکیت فکری، سرزمینی بودن این حقوق بوده و اگر نیاز باشد تا قلمرو حمایتی این حقوق در ابعاد جهانی وسعت داده شود؛ باید الزامات و توجیحات مهمی مثل دغدغه‌ی سلامت عمومی مطرح گردد و مثلاً در خصوص قواعد مربوط به «موافقتنامه تریپس» برای حمایت از حقوق اختراعات دارویی، دغدغه سلامت و بهداشت عمومی وجود داشت ولی با توجه به فقدان چنین اولویتی در حیطه‌ی آثار ادبی و هنری، تفسیر قراردادی از مفاد کنوانسیون برن به قوت خود باقی می‌ماند.

۲-۱-۲- بررسی بحث از باب الزامات خارج از قرارداد

مسئولیت مدنی و از باب دارا شدن بلاجهت

مسلم است که بسیاری از ضوابط سنتی حق مؤلف، بر الزامات پدید آمده بر آثار مندرج در محیط دیجیتال نیز صدق می‌کند و گواه این ادعا، بررسی یکی از مهم‌ترین معاهدات حقوق مالکیت ادبی و هنری سازمان جهانی مالکیت فکری یعنی معاهده بین‌المللی وایپو، در زمینه‌ی تأثیر اینترنت بر حقوق مالکیت ادبی و هنری با ارجاع به مفاد کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس است (صادقی، ۱۳۸۶: ۴).

علاوه بر مفاد اخذ شده از اسناد بین‌المللی، برای بررسی ماهیت نقض صورت گرفته توسط واسطه‌های ارائه خدمات محتوایی در اینترنت، می‌توان به اصول و مقررات اولیه حقوق خصوصی در زمینه‌ی روابط غیرقراردادی نیز تمسک نمود. در این خصوص، می‌توان قائل شد که در بهره‌برداری و پخش آثار ادبی هنری، در اصل از مال یک شخص استفاده می‌شود. چرا که اثر یک مولف که دارای مالیت و ارزش اقتصادی می‌باشد. پس در صورتی که هیچ قراردادی بین دارنده مال و منتفع از آن وجود نداشته و قبل از این قبیل استفاده و ارائه آن به مردم، باید مجوز دریافت شود و در غیر این صورت به دلیل نقض از حدود مالکیت دارنده حق، سکوی ارائه خدمات محتوایی، بر اساس مبانی مسئولیت مدنی نیز باید بتواند مورد پیگرد قانونی قرار بگیرد (عبدلی و کوشا، ۱۳۸۱: ۲۷).

پیش از این نیز گفته شد که کنوانسیون برن در قالب ارائه قاعده حل تعارض برای دعاوی مطروحه در سطح بین‌المللی، قانون کشور مبدأ اثر را به عنوان قانون حاکم در تشخیص وجود حق و شناسایی صاحب اثر در دعاوی بر مبنای حق مولف قابل اعمال دانسته‌است. اما در مواردی که واسطه‌ای با نادیده انگاشتن حق مالکیت دارنده اثر به موجب قانون صالح، حقوق او را انکار یا تضييع کند، مسئولیت ناشی از این عمل و ضمانت اجرای مترتب بر این حقوق، در حوزه‌ی الزامات خارج از قرارداد است در حیطه‌ی کنوانسیون رم دو بوده که ماده‌ی ۸ این کنوانسیون اگر چه قانون محل ارتکاب نقض قاعدتا در دعاوی کپی رایت به عنوان قانون حاکم انتخاب می‌گردد ولی در مواردی که اثر موضوع مالکیت در محل ارتکاب نقض از حمایت لازم برخوردار نباشد و آثار نقض صورت گرفته در کشور دیگری نیز آشکار باشد می‌توان به دارنده حقوق آن اثر اجازه‌ی طرح دعوا در آن کشور را اعطا نمود.

با تفسیر مواد قانون مدنی در خصوص مسئولیت کسی که استفاده بلاجهت از مال دیگری می‌نماید، می‌توان دادگاه محل وقوع فعل زیانبار را به عنوان محکمه صالح برای طرح دعوا پذیرفت. در اینجا، قائل شدن استثنائاتی برای تحقق ویژگی انعطاف‌پذیری در تشخیص دادگاه به منظور حفظ عدالت در مواردی که قانونی صالح‌تر از قانون محل ارتکاب نقض وجود دارد، ضروری است (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

در فرض طرح دعوا بر مبنای مسئولیت مدنی، خواننده هر شخصی است که طبق قواعد مسئولیت مدنی بتوان وقوع زیان به شاکی به عنوان دارنده مال را به وی نسبت داد. در این صورت، لزوم طرح دعوی نقض، به طرفیت شخص یا اشخاصی که اثر را مستقیماً نقض کرده‌اند (در اینجا یعنی کاربرانی که از بستر اینترنت برای بهره‌برداری از آثار خارجی استفاده نموده‌اند)، کنار رفته و بر این اساس می‌توان علیه واسطه‌های اینترنتی به عنوان ارائه‌کننده و بهره‌بردار از مال دیگری بر بستر اینترنت باید به عنوان سبب بروز خسارات طرح دعوا نمود (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

در بررسی احراز وجود مسئولیت مدنی در دعاوی یاد شده، قاعدتا باید وجود سه مولفه را بررسی نمود: اولاً ضرر ایجاد شده باشد، ثانیاً ضرر ایجاد شده مستقیم باشد و ثالثاً رابطه‌ی سببیت بین ضرر ایجاد شده و اقدامات آن شخص (حقیقی یا حقوقی) وجود داشته باشد.

بر اساس این قاعده، باید تحقق مفهوم ضرر در اقدامات سکوه‌های ارائه خدمات محتوایی در زمینه‌ی انتشار آثار در فضای دیجیتال، احراز گردد. به بیان دیگر، باید احراز شود که آیا اقدامات واسطه‌ها در ارائه دسترسی به آثار خارجی برای مخاطبان ایرانی، موجب ورود ضرر به دارندگان حقوق این آثار شده است یا نه.

اگر دارندگان حقوق این آثار می‌خواستند که آثار خود را در ایران منتشر کنند، باید رعایت مقرره‌های بسیار سخت‌گیرانه قانونی، را رعایت می‌کردند تا از آن طریق به منفعت مادی برسند ولی در این مرحله و با وجود اقدامات واسطه‌های ارائه خدمات محتوایی آن‌ها از کسب این منعت محروم شده‌اند. پس نزدیک‌ترین تحلیل برای موقعیت حادث شده «عدم نفع» است که با «ورود ضرر» متفاوت بوده و از موجبات مسئولیت مدنی نیست.

در باب دارا شدن ناعادلانه، در حقوق فرانسه بیان شده که این دارا شدن باید به ضرر دیگری باشد و به همین دلیل کاهش دارایی دیگری نیز جزو شرایط این دعوا به شمار می‌آید که خود کاهش دارایی ممکن است به صورت کاهش اموال یا عدم افزایش آن باشد (صفایی، ۱۳۹۷: ۵۷).

اما در خصوص کاربرد این قاعده برای استناد در دعاوی جهت محکوم کردن عمل ناقض مقابل، گرچه منعی برای پذیرش این قاعده در حقوق ایران و اسلام وجود ندارد و عده‌ای در تأیید آن به آیات و روایات استناد نموده‌اند، منتها

مطالعه‌ی تاریخیچه، مبنا، شرایط و آثار این قاعده در دو کشور فرانسه و ایالات متحده به عنوان نمونه‌های بارز نظام رومی-ژرمنی و کامن‌لا نشان‌دهنده آن است که این قاعده، برای پر کردن خلأهای حقوقی که در این دو نظام بوده، به وجود آمده‌است و چنان خلأهایی، به علت تعدد منابع مسئولیت و وجود نهادهایی همچون استیفاء و غضب، در حقوق اسلام و ایران وجود ندارد و به همین جهت پذیرش نهاد دارا شدن بدون سبب به عنوان منبع مستقل تعهد، در حقوق ایران ضرورتی ندارد، هرچند که این قاعده اخلاقی، روح کلی حاکم بر بسیاری از مقررات مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی است و این قاعده می‌تواند توضیحی برای آن مقررات و یا مبنایی برای اصلاح برخی مقررات دیگر محسوب شود (رحیمی، ۱۳۸۰).

در ادامه استناد به قواعد اخلاقی برای بررسی مزایا و معایب انتشار این محتواها بر بستر اینترنت، برخی هم به عللی از قبیل خدشه‌دار شدن حسن شهرت شرکت ارائه‌دهنده محتوا بر بستر اینترنت اشاره کرده‌اند که از این زاویه دید، آینده سایر فعالیت‌های شرکت مربوطه در فضای اینترنت در پرده‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت. علی‌الخصوص با توجه به این مهم که در فضای تعاملی کنونی در دنیای ارتباطات، نیاز به روابط متقابل بین کشورهایی که در زمره پدیدآورندگان آثار محسوب می‌شوند با کشورهایی که قوانینی در جهت منع این دسته از نقض‌ها در ابعاد بین‌المللی ندارند، احساس می‌شود.

۳-۱-۲- رابطه اصول منع رقابت غیرمنصفانه و تاکید بر حق پدیدآورنده

از رقابت تجاری به کوشش برای پیروزی بر رقیب برای رسیدن به امتیازهای اقتصادی محدود تعبیر شده است (سیمائی صراف و حمدالهی، ۱۳۹۴: ۳۹). بند ۱۱ ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه نیز، در تعریف رقابت مقرر داشته‌است: «وضعیتی در بازار که در آن، تعدادی تولیدکننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید و یا فروش کالا یا خدمت فعالیت می‌کنند، به طوری که هیچ یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان، قدرت تعیین قیمت را نداشته باشند و یا برای ورود بنگاه‌ها به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود نداشته باشد.» در مقابل، وضعیتی که در آن تعیین قیمت کالاها و خدمات صرفاً در انحصار عده‌ای خاص بوده و تلاش سایر فعالان در این عرصه، به ایجاد تفاوتی چشمگیر نمی‌انجامد را رقابتی غیرمنصفانه نامیده‌اند که در برخی از اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون پاریس هم بدان اشاره شده است.

در اسفندماه ۱۳۳۷، با تصویب قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و تجارتي و کشاورزی، ایران به کنوانسیون پاریس ملحق گردید که به موجب ماده‌ی ۹ قانون مدنی مفاد آن در حکم قانون داخلی و الزام‌آور می‌باشد. در ماده‌ی ۱۰ مکرر این سند در خصوص مبحث رقابت غیر منصفانه در خصوص اموال فکری اعم از مالکیت‌های صنعتی و اموال هنری ادبی ذکر شده است که طبق آن، کشورهای عضو اتحادیه مکلف‌اند حمایت واقعی اتباع اتحادیه را در مقابل رقابت نامشروع (رقابت مکارانه) که هر رقابتی برخلاف معمول شرافتمندانه صنعت یا تجارت است را، تامین نمایند. به صورت به خصوص در این سند: هر عملی که باعث ایجاد اشتباه به نحوی از انحاء با مؤسسه یا محصولات یا فعالیت صنعتی یا تجارتي رقیب شده یا اعتبار مؤسسه یا محصولات یا فعالیت صنعتی یا تجاری رقیب را با اظهارات خلاف واقع از بین برده و یا به کار بردن مشخصات

یا اظهاراتی در بازرگانی که موجب اشتباه عامه راجع به ماهیت، طرز ساخت، صفات ممیزه جنس، قابلیت استعمال و یا کمیت کالا گردد، ممنوع شده‌اند.

در تفسیر این مواد، دکتین حقوقی قائل به آن است با وجود آن‌که اعمال مشخصی به عنوان رقابت نامشروع شناخته شده‌اند، نمی‌توان رقابت نامشروع را محصور در این موارد کرد. چرا که مفهوم رفتار مشروع و منصفانه در رقابت، بازتاب تصورات کلی هر جامعه از اقتصاد و اخلاق است و بنابراین ممکن است در همه کشورها یکسان نباشد. هم‌چنین این مفاهیم ممکن است در بستر زمان دچار تحولاتی شوند و با پیشرفت تجارت و ورود رویه‌های جدید، هر روزه اعمال فریب‌آمیز جدیدتری نیز از طرف رقبا به کار رود. فلذا تشخیص عمل نامشروع تجاری برعهده‌ی دادرس است تا با توجه به اوضاع و احوال هر قضیه، مشروع یا نامشروع بودن آن را تشخیص دهد (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). بنابر این استناد به اصول منع رقابت غیرمنصفانه، با این‌که تا حدی با اقدامات ناقضانه‌ی حق ادبی هنری در فضای اینترنت قابل تطبیق می‌باشد ولی به این دلیل که در تشخیص آن باید به زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی نظام حقوقی حمایت‌کننده از اثر و هم‌چنین نظام حقوقی که در آن این نقض رخ داده است، توجه نمود، مستقلا و به تنهایی قابل اتکا نیست.

۲-۲- ریسک‌های تجاری

در بررسی ریسک‌های تجاری، باید مشخص شود اگر وفق شرایطی که قبلا بررسی شد، علیه شخصیت حقوقی مالک پلتفرم ارائه خدمات محتوایی که از آثار خارجی بهره‌برداری غیر مجاز نموده، دعوایی در دادگاه داخلی یا خارجی اقامه شود و رأی علیه آن شرکت دارنده پلتفرم صادر شود؛ مسئولیت پرداخت جرائم متوجه چه اشخاصی بوده و آیا صدور حکم به پرداخت جریمه احتمالی از قاعده خاصی برخوردار است و در آخر این‌که در صورتی که زیان دیدگان در این دعوا، قادر به دریافت وجه خسارت تعیین شده بنا به احاله حکم به دادگاه‌های ایران نباشند، آیا مراجع خارجی صادرکننده حکم می‌توانند از سایر طرق از قبیل وصول وجه خسارت از سهامداران آن شرکت، اقدام به جبران خسارات وارده به خواهان نمایند یا خیر. بدوآ بدیهی است که چون یک شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل از سهامداران خود بوده و مالک دارایی مخصوص خود می‌باشد که سود و زیان ناشی از اقدامات این دسته از تجار نیز به کیسه دارایی همان شخصیت وارد می‌شود، مسئولیت اولیه پرداخت جرائم ناشی از نقض حقوق مولف درخصوص آثار خارجی با خود شرکت بوده و شخصیت حقوقی دارنده پلتفرم ناقض حق می‌بایست طرف دعوا قرار بگیرد.

نکته بعد در مورد تاثیر تابعیت شرکت در محل اقامه دعوا بنا بر قاعده‌ی لزوم طرح دعوا در محل اقامت خوانده برای مراجعه دارندگان حقوق آثار خارجی است که به تناسب این ضابطه، ضروری است بررسی گردد که آیا قانون محل اقامتگاه شرکت، اثر موضوع دعوا را قابل حمایت یا غیر قابل حمایت دانسته و از آن مهم‌تر آن‌که طبق قانون موصوف، فعل دارنده پلتفرم مصداق نقض حقوق مولف یا پدید آورنده قلمداد گردد.

اقامتگاه شخص حقوقی، محلی است که اداره شخص حقوقی از آن جا صورت گرفته و مرکز اصلی شرکت، نیز اقامتگاه محسوب شده چراکه ابلاغ دادخواست‌ها، اخطاریه‌ها، اظهارنامه‌ها و اوراق رسمی به عنوان اقامتگاه به مرکز اصلی شرکت انجام می‌شود. به موجب ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی «هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد»، بنابراین نمی‌توان در اساسنامه‌ی هر شرکتی بیش از یک مرکز اصلی برای آن پیش‌بینی نمود. بنابراین، با فرض ایرانی

بودن شرکت مالک پلتفرم ارائه خدمات محتوایی ناقض حقوق مالکیت فکری باید در خصوص قابلیت اجرای رای محکومیت ناقض حق در دادگاه‌های ایران بحث کرد.

از آن جا که مطابق ماده‌ی ۲۹۷ قانون مدنی: «احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر این که مطابق قوانین ایران امر به اجرای آن‌ها صادر شده باشد.» پس آرای خارجی که علیه شخص حقوقی ایرانی به علت نقض کپی‌رایت صادر شده را دادرس ایرانی باید بررسی ماهوی کرده تا قابلیت اعمال آن را تشخیص دهد. حال از آن جا که ایران عضو کنوانسیون برن نبوده و حق مولف ایجاد شده در سایر کشورها را به رسمیت نمی‌شناسد، پس به فرض احاله‌ی رای دادگاه خارجی در پرونده‌ی نقض حق مولف به دادگاه ایران، این رای در ایران به احتمال قوی اجرا نخواهد شد و خواهان از طرق دیگر به دنبال وصول خسارت خود باشد.

در فرضی که ناقض محتوا، دارای ماهیتی چند ملیتی باشد، امکان دریافت خسارت از سهامداران خارجی که از خود شخص حقوقی نقض کننده دسترسی بیشتری دارند، یکی از طرق متبادر به ذهن می‌باشد. لیکن از آن جا که در عموم اشکال شرکت‌های تجاری، مولفه سرمایه مهم‌تر از شخصیت سهامداران است، این مقوله موجب به وجود آمدن شخصیت حقوقی جدید و مستقل از سهامداران می‌شود که شخصیت آن ماهیتاً از سهامدارانش جدا است و به همین دلیل دارایی آن متشکل از درآمدها و هزینه‌های شخصیت پدید آمده از سهامدارانش کاملاً جدا بوده و قاعدتاً باید تنها خود شرکت ناقض را مسئول پرداخت آن خسارت‌هایی دانست که در صورت صدور رای نقض و حکم به جبران خسارت وارده باید پرداخت گردد.

در حالی که دسترسی به این محتواها در خارج از ایران هم ممکن باشد، محل نقض حقوق مولف در فضای سایبری، هر محلی در نظر گرفته می‌شود که دسترسی به این محتواها از طریق جستجو در اینترنت و با آی پی معمولی امکان پذیر باشد که در این حالت در هر جای دنیا، به عنوان مثال کشور فرانسه که بتوان به این محتوای دسترسی پیدا کرد، نقض محقق شده است. با این توصیف، دارنده حق می‌تواند در همان فرانسه که محتوا قابل دسترسی است، اقامه دعوا کند و اگر قاعده «خرق حجاب» که ابتدائاً اصلی قابل اعمال در حوزه داوری بین‌المللی است در سیستم قضایی آن کشور محل اقامه دعوا هم اعمال شود، رأی به جبران خسارتی که معادل وجه کارشناسی شده توسط کارشناسان آن پرونده است، از اموال آن شخصیتی که در اصل در ورای شخصیت ناقض حق بوده و از اقدامات آن شخصیت به صورت غیرمستقیم منتفع می‌شود داده می‌شود. حتی اگر این مبلغ خسارت، بیشتر از ارزش سهام آن شخصیت خارجی در زمره‌ی سهامداران شرکت ناقض حق باشد، کماکان از رهگذر این قاعده خسارت وارده دریافت می‌گردد. چرا که بنا بر این قاعده، به این توجه می‌شود که چون سهامدار، فی الواقع ذی نفع اصلی اقدامات شرکت و پلتفرم تحت کنترل آن است، باید پاسخگوی این نقض و خسارات وارده به پدیدآورنده اثر باشد.

این قاعده عمدتاً در داوری تجاری بین‌المللی اعمال می‌شود که مراجعه به داوری امری اختیاری است و باید مورد توافق دو طرف باشد و استفاده و استناد به این نحوه استدلال معمول در آرای داوری در محاکم قضایی بنا به رویه کشورها مختلف است. ولی در کشورهای کامن‌لا به این قاعده در دادگاه‌ها هم استناد می‌شود (جنیدی، ۱۳۹۴: ۸۶). نهایتاً و با توجه به ابعاد کلانی نحوه به کارگیری قاعده‌ی «خرق حجاب» در رویکرد کنونی دادگاه‌های ایران، فرانسه و آمریکا دارد، توصیه می‌شود که در صورت بهره‌برداری پلتفرم‌های ارائه خدمات محتوایی از محتوای بدون

مجوز نشر از خالق اثر یا دارنده حقوق مادی مرتبط با آن، سرویس مربوطه، تنها قابل دسترس در داخل ایران باشد تا هم خطر صدور رأی به جبران خسارت از اموال سهامداران مسئول اداره شرکت وجود نداشته باشد (جنیدی، ۱۳۹۴: ۹۴). که عمدتاً مبلغ آن خسارت هم با توجه به رقم کارشناسی شده در هر پرونده متفاوت است و هم این که دادگاه‌ها ممکن است به تدابیری غیر از تدابیر مالی توسل بجویند تا در سایر زمینه‌ها هم سایر اقدامات شرکت را در زمینه‌های بعدی محدود کنند. این اقدامات فنی طیف متفاوتی از قبیل مسدود نمودن سیگنال ماهواره‌ها را در بر می‌گیرند که این مجازات مدتی در زمینه‌ی پخش مسابقات فوتبال به دستور فیفا که به علت عدم پرداخت حق پخش آن مسابقات از جانب تلویزیون ایران، صورت گرفت. علاوه بر اقدامات عملی علیه ناقض حق، بر اساس این که حسن شهرت ناقض در اقدامات مربوط به حق مولف در عرصه‌ی بین‌المللی خدشه دار می‌گردد، ممکن است در طولانی مدت از انعقاد قرارداد برای راه‌اندازی پروژه‌های مشترک مشابه در این زمینه با این شرکت خودداری گردد.

نتیجه‌گیری

تلاش سکوی‌های ارائه خدمات محتوایی در زمینه ارائه‌ی محتواهای پر بیننده برای جذب مخاطبان بیشتر و کسب درآمد بالاتر، خطر طرح دعوی نقض حق مولف را علیه این گروه از فعالان دنیای مجازی پر رنگ نموده است. از طرفی با در نظر گرفتن این حقیقت که مخاطبان جامعه ایرانی در هر حال، بدون پرداخت ما به ازایی مناسب در برابر استفاده از حقوق مادی مولف، از آثار وی استفاده خواهند نمود، عرضه و پخش آثار خارجی به عنوان گزینه‌ای بدیهی و به صرفه جلوه می‌کند و از طرف دیگر، شبهه‌ی طرف دعوا قرار گرفتن توسط دارندگان حق مولف و الزام به پرداخت مبالغ قابل توجه در قالب خسارت‌هایی که باید به خاطر نادیده گرفتن حق مولف در عرصه بین‌المللی پرداخت شود، دو جبهه در حال تنازع در این زمینه هستند.

به نظر می‌رسد واسطه‌هایی که بنا به ساختار سازمانی خود با ریسک محکومیت به پرداخت مبلغی قابل توجه به عنوان خسارت، دست و پنجه نرم می‌کند یا به دلیل وسعت حیطه اقدامات خود، ممکن است با تهدیدهای عملی در زمینه‌ی دسترسی به مخاطب یا محتوا بر بستر اینترنت مواجه شوند، باید فعالیت خود را به مرزهای ایران که در وضعیت کنونی به استناد برن، رأی به جبران خسارت صادر نخواهند کرد، محدود کرده و از درآمدزایی از طریق تبلیغات و حضور فعال در عرصه محتوا برای مخاطبان بین‌المللی، به عنوان ریسکی غیرقابل جبران، صرف نظر کند.

منابع

- ابراهیمی، نصرالله و کسنوی، شادی. (۱۳۹۶). تعیین قانون حاکم در دعاوی نقض کپی‌رایت در محیط اینترنتی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۷(۲)، ۱۷۳-۱۹۱.
- پورمحمدی ماهونکی، شیما. (۱۳۸۵). حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو و تلویزیونی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی (مالکیت فکری)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- توسلی، ساناز. (۱۳۹۰). نقد و بررسی حمایت حقوقی از پخش‌های اینترنتی با تاکید بر حقوق سازمان‌های پخش رادیو و تلویزیونی، پایان‌نامه دفاع در مقطع کارشناسی ارشد، استاد راهنما خانم دکتر جنیدی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

- جنیدی، لعیلا. (۱۳۹۴). اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران: تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت نشده شرکت، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۶(۱)، ۸۵-۱۰۵.
- حبیبیا، سعید و شاکری، زهرا. (۱۳۹۲). سه گام: آزمونی فراروی مصرف کنندگان آثار ادبی و هنری، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۶(۶۲)، ۲۴۸-۲۰۹.
- رادفر، حمیدرضا. (۱۳۹۸). حق مؤلف در فضای مجازی با تأکید بر کتابخانه‌های دیجیتال، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۹(۱)، ۸۷-۱۰۷.
- رئیزی، لیلا. (۱۳۸۷). دادگاه صلاحیت‌دار در دعوی حقوق مالکیت معنوی در روابط بین‌الملل خصوصی، *پژوهشنامه حقوق خصوصی*، ۵(۱۳)، ۱۴۳-۱۶۶.
- سیمایی صراف، حسین و حمدالهی، عاصف. (۱۳۹۴). مفهوم رقابت نامشروع تجاری و مقایسه آن با نهادهای مرتبط، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق خصوصی*، ۳(۱۶)، ۳۷-۶۹.
- صادقی، حسین. (۱۳۹۳). حمایت از حق مؤلف در فضای سایبر در حقوق ملی و اسناد بین‌المللی، *فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۱۹(۶۵)، ۳۷-۶۲.
- صادقی، محسن. (۱۳۸۱). حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای در ایران با تأکید بر قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۷۹/۱۰/۴، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۲۶، ۵۹-۱۱۱.
- صادقی، محمود و امید، زهرا. (۱۳۹۴). حقوق سازمان‌های پخش اینترنتی در کنوانسیون‌های بین‌المللی و مقایسه آن با حقوق ایران، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۹(۲)، ۹۷-۱۱۸.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۹۷). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران: انتشارات سمت.
- عبدلی، مهشید و کوشا، کیوان. (۱۳۸۱). حق مؤلف در نشر چند رسانه‌ای: چالش نوین در عصر خصوصی‌سازی و آزاد سازی رسانه‌ها، *مجله پیام ارتباطات*، شماره ۲۷.
- محمدی، پژمان. (۱۳۹۱). دعوای و معیارهای نقض حق تکثیر پدیدآورنده، *فصلنامه حقوق پزشکی*، *ویژگی‌نامه حقوق مالکیت فکری*، ۱۳۵-۱۶۰.
- شعبانعلی، محمدرضا. (۱۴۰۰). تعریف محتوا چیست؟ محتوای دیجیتال چیست؟، وبسایت متمم، آخرین بازدید در <https://motamem.org>، ۱۴۰۱/۰۱/۰۶.

Chai, W. (2021). *Software as a service (SaaS)- TechTarget*. Retrieved 2022/03/26. <https://searchcloudcomputing.techtarget.com/definition/Software-as-a-Service>.